

هنر و طبیعت
بانگاهی به اندیشه و زندگی
اوگوست رودن (۱۸۴۰-۱۹۱۷)
ترجمه ماندانا مانی

پژوهش و علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی



نام سترگ و عظیم اوگوست رودن (Auguste Rodin)، هنرمند پر شور و خلاق، همواره بر فراز آسمان مجسمه‌سازی سده نوزدهم اروپا، خودنمایی می‌کند. نخستین سرورس مفرغی او «مرد بینی شکسته»^۱ به‌خاطر زخم‌ت، ناتراشیده و به‌ظاهر ناقص ماندنش از سوی «سائلن» رد شد. رودن در سراسر عمر طولانی‌اش، با وجود تأثیر زیادی که از دوناتلو،^۲ مجسمه‌ساز فرانسوی عصر گوتیک و میکل‌آنژ^۳ پذیرفته بود، آثار شاخص خود را با ویژگی‌های بیانی و سبک شخصی خاص خود آفرید. همراهی فکری و نظری او با امپرسیونیست‌ها، در مخالفت آشکارش

چه با آکادمی و چه با قوانین و ساختارهای تصنعی و از پیش تعیین شده برای ساخت و خلق آثار هنری و همچنین رویکرد واقع‌گرایانه او به موضوعات، خطوط اصلی فکری وی را ترسیم می‌کند. اثر او با نام «عصر مفرغ»^۴ (۱۸۷۶)، چنان زنده به نظر می‌آید و چنان از میثاق‌های آکادمیک دور بود که رودن به قالب‌گیری از روی مدل‌های زنده متهم شد. با وجود تأکید و اهمیت ماهیت دوگانه نور به‌طیوان یکی از عناصر اولیه هنری، کیفیت‌های بیانی آثار وی، متمایز از آثار امپرسیونیستی است. برجستگی‌ها و گودی‌های سطوح، نورهای بی‌قرار و لرزان و سایه‌هایی که در زوایا و لبه‌های شکست‌ها بازی می‌کنند، تنها ویژگی توصیفی ندارند. آن‌ها همواره حامل پیام رنج انسان، تحریکات، تمایلات، مهر و یا

غضب هستند. حتی هنگامی که او، بخشی از مجسمه را نیمه‌تمام رها می‌کند، این ناتمامی، محدودیت ماده را به بیننده (آن‌گونه که در آثار نیمه‌تمام میکل‌آنژ دیده می‌شود) تحمیل نمی‌کند، بلکه این ناتمام بودگی معنا و مفهومی سمبولیک (رمزین) و ادبی می‌یابد.

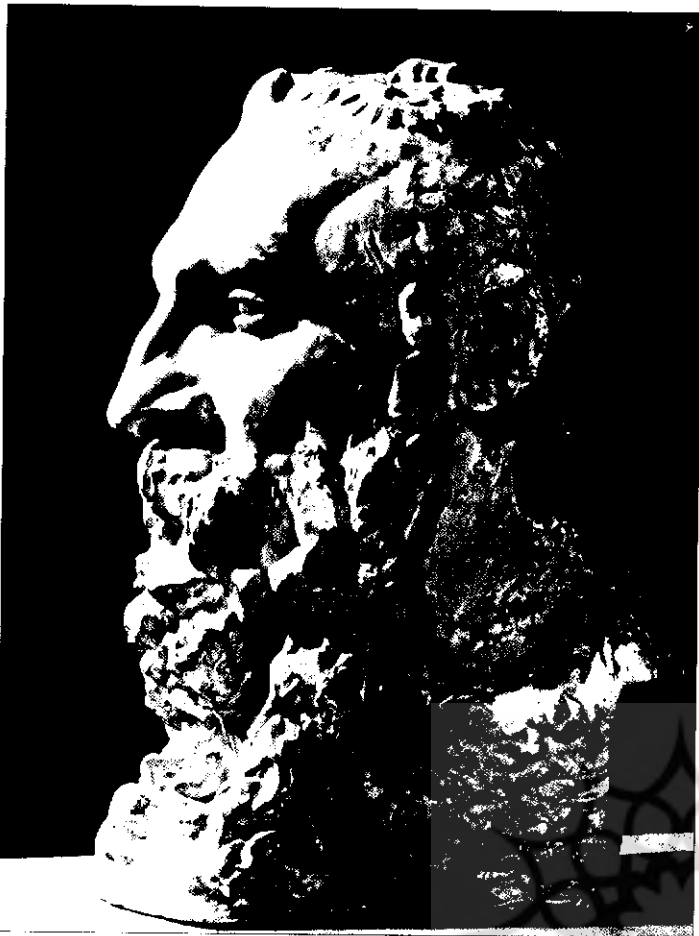
رودن، با وجود آن‌که در سال‌های آغازین کار، نام و شهرتی نداشت و با مشکلات مالی دست به‌گیریان بود، شماری از آثار بزرگ و مهم خود همچون «یحیا معمدان»^۵ (۱۸۷۸)، «آزاد مردان شهر کاله»^۶ (۱۸۸۴-۱۸۸۶)، «متفکر»^۷ (۱۸۸۶) و «بالزاک»^۸ (۱۸۹۰) را آفرید. «دروازه‌های دوزخ»^۹ (۱۹۱۷-۱۹۸۰) که مجموعه‌ای بزرگ و در برگیرنده تعداد زیادی مجسمه بود، در زمان کهنسالی رودن، به موفقیتی شگفت دست یافت و شاهکاری جهانی شناخته شد. وی از سوی خانواده‌های سلطنتی دربارهای کشورهای مختلف اروپایی، سفارش‌های گوناگونی دریافت کرد و در ۱۹۰۳ به‌عنوان رئیس جامعه بین‌المللی مجسمه‌سازان، نقاشان و حکاکان نیز انتخاب شد. گروهی از هم‌مسلمان و بیروان وی، با تحسین‌های خود وی را به مقام الوهیت نیز رساندند!

گفته‌های وی، کلمه به کلمه به‌وسیله شمار بسیاری از زندگی‌نامه‌نویسان و مورخان هنر ثبت و ضبط می‌شد. از آن میان می‌توان به جودیت کلادل (Judith Cladel) که کار خود را از ۱۹۰۲





شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال حاکم علوم انسانی



آغا کرد، اشاره نمود. این زمان همان سالی بود که رودن، مکاتبات و نامه نگاری های خودش را با «رابر ماریا ریلکه» (۱۸۷۵-۱۹۲۶)، شاعر بزرگ آلمانی آغاز کرده بود که بعدها شرحی عمیق و هوشمندانه بر آثار وی نگاشت.

رودن به عنوان یکی از هنرمندان رابط میان هنر واقع گرا (رنالیستی) و امپرسیونیسم، هم چنان حضور مستقل خود را به عنوان هنرمندی بی مکتب در تاریخ هنر داراست. به هر روی برخی ویژگی های رنالیستی آثار وی در کنار بازی درخشان نور و سایه که از ویژگی های هنر امپرسیونیستی است، نگاه و رویکرد وی نسبت به طبیعت را جالب توجه می سازد. آن چه که آن را «رنالیسم امپرسیونیستی» می نامند، نتیجه چنین روش هنری است. اهمیت کار رودن در دگرگون ساختن مجسمه سازی عصر خود، همانند تغییرات بنیادینی بود که امپرسیونیست ها در نقاشی پدید آوردند. مجموعه این عوامل در کنار بررسی ویژگی های سبک شناسانه شخصی هنرمند در برخورد با طبیعت، کلید شناسایی هنر رودن خواهد بود. آن چه در پی می آید، برگرفته از یادداشت ها و نوشته های رودن، در باب طبیعت، هنر و رویکرد هنرمند به طبیعت و اثر هنری است.

برای درک طبیعت، مهم آن است که هیچ گاه خود را جانشین آن نکنیم. اصلاحاتی که آدمی بر خود تحمیل می کند، همه اشتباه اند. ببر، دندان ها و پنجه هایی دارد که از آن ها به مهارت استفاده می کند؛ اما آدمی همواره حقیرتر است. انسان با هوش و زیرکی، می تواند تا به آن ها برسد. حیوانات با همه چیز نسبت و رابطه دارند و از سوئی در پی تغییر هیچ چیز نیستند. سگ اربابش را دوست دارد اما به انتقاد از او نمی اندیشد. مردی از طبقه متوسط اهمیتی نمی دهد که دخترش باید زیبا باشد. او در ذهنش ایده های بسیاری از روش تربیت و آموزش دارد و زیبایی دختر در برنامه او جایی ندارد. دختر اما نفوذ طبیعت را احساس می کند، حرکاتش قروتانه و با شرم می گردد، چیزی که انسان کور دل نمی بیند اما هنرمند را به سوی خود جلب می کند.

هنرمندی که برای ما از آرمان هایش می گوید، همان اشتباهی را مرتکب می شود که این مرد طبقه متوسطی مرتکب می شود. آرمان او غلط و اشتباه است. او به نام این آرمان، مدعی است که مدل خود را از راه دستکاری یک موجود زنده پیچیده و عمیق که به گونه ای قابل تحسین از قوانینی منظم شکل گرفته، اصلاح می کند. در میان به اصطلاح اصلاحات کذابی او، وی اثر کلی را خراب می کند، او به جای خلق یک اثر هنری، یک موزائیک را شکل می دهد. در حالی که مدل او اصلاً نقیض ندارد. اگر ما آن چه را که نقیض می نامیم، تصحیح کنیم، به آسانی چیزی را جایگزین آن چه طبیعت آرایه کرده است، می کنیم. ما موازنه و تعادل و آرامش را بر هم می زنیم. بخش اصلاح شده، همیشه آن چیزی است که برای هارمونی و هماهنگی کل، لازم و ضروری است. در این جا هیچ گونه تاهم سازی وجود ندارد. بنا بر قانونی که می گوید: همه قدرتهای کامل، هماهنگی و هارمونی امور متضاد را در خود دارند. این قانون زندگی است. بنا بر این همه چیز خوب است، اما ما این مطلب را تنها زمانی کشف می کنیم که فکر ما توانا نشود؛ این هنگامی رخ می دهد که فکر، خود را به طور تجزیه ناپذیر و پایدار در بیوند با طبیعت قرار دهد و آن گاه بخشی از یک کل بزرگ و بخشی از نیروهای واحد و پیچیده می شود. در غیر این صورت آن فکر، حقیر و پست است؛ بخش جداشده ای که با یک کل، که از واحدهای بی شمار و غیر قابل شمارشی شکل گرفته است، رقابت، مخالفت و ستیزه می کند.

بنابراین طبیعت، فقط راهنمایی است که دنباله روی از آن ضروری است. طبیعت الگوی حقیقی یک تأثیر (امپرسیون) را در اختیار ما قرار می دهد، چرا که صورت های خود را در اختیار ما می گذارد و اگر ما با صداقت، خلوص، بی ریاچی و صمیمیت از آن تقلید کنیم، او ابزار وحدت بخشیدن به این صورت ها و بیان آن ها را بر ما آشکار می سازد.

صداقت و خلوص، با وجدان باطنی و از ته دل - این ها پایه های اساسی تفکر در کار یک هنرمند هستند، اما هر گاه هنرمند به روانی و تردستی در بیان نائل شود، اغلب به جایگزینی صداقت خود با مهارت عادت می کند. حکم فرمایی مهارت، فساد و تباهی هنر است و بر دروغ بنا شده. صداقت و خلوص با وجود نقیض های بسیار، هنوز بی نقیض ترین روش است. روشی که می گوشت بی عیب باشد، معیوب ترین است. انسان های بدوی با وجود جهل و نادیده گرفتن قوانین پوسپکتیو، آثار بزرگ هنری را خلق کردند، زیرا در آفرینش آن ها صداقت داشتند. به نگارگری ایرانی و خشوع تحسین برانگیز نگارگر در برابر اشکال گیاهان و حیوانات و نیز حالات افرادی که تصویر کرده، نگاه کنید. او خود را وادار کرده بود چیزها را همان گونه که می بیند تصویر کند. او چه مشتاقانه آن چه را که بدان عشق می ورزید نقاشی کرده است. آیا می توان گفت که این کار و نیز آثار بزرگ انسان های بدوی فرانسوی و معماران و مجسمه سازان بزرگ رم بدند، چرا که قوانین پوسپکتیو را نادیده گرفته اند؟! آیا بارها گفته نشده که سبک آنان سبکی غیرمتدانه و جنبشانه است؟ برعکس، این اثر زیبایی هولناکی دارد. این اثر از بیم و احترام مقدس کسانی جان می گیرد که از شاهکارهای طبیعت تأثیر پذیرفته بودند. این بزرگ ترین گواه است بر این که این مردان خود را جزئی از زندگی و جزئی از اسرار آن ساخته بودند.

برای بیان زندگی، ضروری است به بیان آن مشتاق باشیم. هنر مجسمه سازی از وجدان، دقت و اراده تشکیل شده است. اگر من اراده محکمی نمی داشتم، نباید اثری می آفریدم.

اگر از جست و جو دست می کشیدم، کتاب طبیعت برای من جز مجموعه ای از حروف بی روح و بی جان نمی بود، یا دست کم معنای خود را از من دریغ می کرد. حال برعکس، کتاب طبیعت کتابی است که همواره در حال نو شدن است و من در حالی بدان رجوع می کنم که به خوبی می دانم تنها صفحات مشخصی از آن را باز نموده ام. در هنر تنها اکتفا به برداشتهای شخصی، فرد را در دریافت و درک واقعی طبیعت ناتوان می کند. طبیعت سرشار از نیروهای ناشناخته باقی خواهد ماند.

من بی شک، زمانی را به سبب نقایص و کمبودهای عصر خود از دست داده ام. من باید بسی بیش از آن چه با آهستگی و اطناب به جنگ آوردم، می آموختم. اما در عین حال نمی باید شادی کمتری نسبت به آن چه در آن اوج خسران حس کرده ام، می چشیدم. و آن شادی برای من همان کار است. و آن دم که ساعت من فرا رسد، در طبیعت سکنی خواهم گزید، و برای هیچ چیز تأسف و افسوس و حسرت نخواهم داشت.

بی نوشت ها:

1. Man With the Broken Nose (1864)
2. Donatello (1386-1466)
3. Michelangelo Buonarroti (1475-1564)
4. Age of Bronze (1876)
5. John the Baptist (1878)
6. The Burghers of Calais (1884 - 1886)
7. La Pensee (1886)
8. Balzac (1890)
9. The Gate of Hell (1880 - 1917)

شرح تصاویر:

- ۱- متفکر، اوگوست رودن، ۱۸۸۰، برنز
- ۲- چهارهواگوست رودن
- ۳- کاندول (بخشی از اثر) ۱۹۰۸، سنگ، موزه رودن پاریس
- ۴- مجسمه بالزاک، اوگوست رودن، ۱۸۹۲-۹۷، ارتفاع ۳ متر، پاریس
- ۵- مجسمه بالزاک، اوگوست رودن، بعد از ۱۹۱۷، برنز، ارتفاع ۲.۸۲ متر، پاریس
- ۶- نمایی هنر، پاریس
- ۷- نمایی هنر، پاریس
- ۸- نمایی هنر، پاریس
- ۹- نمایی هنر، پاریس

عکس تهیه رودن، اثر کامیل کلود، حدود ۱۸۸۸، موزه رودن، پاریس